



۲۰۱۸/۱۲/۰۹



عارف عباسی

آیا دلیلی برای خوش بینی به انتخابات آینده وجود دارد؟



- به ارتباط عنوان فوق سؤال های ذیل مطرح می گردد.
- آیا انتخابات ریاست جمهوری امید بهبود می آفریند؟
 - انتخابات ریاست جمهوری چهره ها را تغییر می دهد و یا اوضاع را؟
 - انتخاب یک جامعه بی تفاوت، متفرق و غافل چه خواهد بود؟
 - آیا زورمندان تفنگدار ملیشه والای خر پول مجال تبارز به شخصیت های ملی می دهد؟
 - آیا در بین اقوام افغانستان غیر از این مهره های هفده ساله شناخته شده و آزمون شده اشخاص شایسته تر، بهتر و منزه وجود ندارد؟
 - آیا در انحصارات این معلوم الحالان امکان تبارز شخصیت های منزه ملی وجود دارد؟

با تجربه هژده ساله و مطالعه هزاران ارزیابی اهل خبره مسلکی، قلم به دستان چیره دست و سخنوران نخبه پیرامون اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی افغانستان بدون هیچ گونه بدبینی نمی توان امیدی به دل پروراند که انتخابات آینده ریاست جمهوری (اگر انعقاد یابد) وضع را به طور بنیادی متغیر گردانیده بهبودی را به حال این وطن در مانده و ورشکسته وارد نماید.

در طول این سال ها حلق ها خشکید و گلو ها درید و رنگ قلم ها فرو کش کرد و متواتر فریاد ها برخاست که اقشار منور، دانا، آگاه و وطن پرستان صادق و منزه و قشر جوان تحصیل کرده بیرون و درون وطن مرجع امید ملت اند که اگر رسالت و مسؤولیت ملی خود را درک نموده خود را از طلسم ملعون قوم گرایی و پیروی از مفسدین و جانبداران برهانند و یک تشکل ملی بین الاقوام را ایجاد و حمایت ملت را جلب نموده به حیث رهبران هر قوم خود را کاندید ریاست جمهوری نمایند.

ولی جنبید جهان و نه جنبید آن اقشاری که امید ها به سوی شان راه یافته بود.

ملت های دیگر بعد از پشت سر گذراندن بحرانها، منازعات و جنگ ها بیدار، هوشیار، پخته و عاقل می شوند. ولی در وطن ما چنین نشد، آیا در طول این هژده سال، اگر ملت را در کل مورد بحث قرار ندهیم، و اقوام که هر یک

جزء لایتجزای ملت اند مورد بحث بگیریم، آیا هر قومی در بین خود به غیر از این رهبران تحمیلی و بت های تراشیده شده حجاران سیاسی بیگانه شخصیت های معتبر، معزز با اوصاف و خصائل والای رهبریت و پیشوایی نداشتند؟ که امروز تبارز نموده با حمایت قوی سیاسی و مالی قوم خود در مصاف انتخابات ریاست جمهوری سهم می گرفتند.

هم وطن!

اختلاف تنها بین اقوام نیست بلکه تفرقه و اختلافات در بین خود هر قوم هم وجود دارد، که پشتون ها در ردیف اول قرار دارند و امروز متأسفانه این قوم چند نفر کاندید شایسته سالار که نمایندگی از پشتون قندهار، پکتیا، پکتیکا، زابل و ننگرهار کند ندارند، همچنان تاجک، ازبک، هزاره، ترکمن، نورستانی، پشه یی و بلوچ و ایماق.

یا این که وقایع چهار دهه اخیر، ظلم، ستم، وحشت، بربریت خون ریزی و ویرانی را که این ملت متحمل شده آن ها را بی حد ذله، مانده و کوفته ساخته که ضرورت به خوابی، که بیداری ندارد، دارند و یا مثل بعضی زنده جان های دیگر که در زمستان به خواب طولانی می روند و یا منجمد می شوند و در بهاران و گرم شدن هوا بیدار شده از انجماد بیرون می آیند، احتمالاً این زمستان طولانی ملت افغانستان تا حال به گرما نگرانیده.

دلیل محکم تر دیگر این است که نظام های بر سر اقتدار از مردم فاصله داشته در سیاست های شان به هیچ وجه نیازمندی ها، خواسته ها و توقعات مشروع مردم جامه عمل نپوشیده، حاکمیت قانون جزء خواب و خیال و تأمین عدالت در ردیف افسانه ها قرار گرفته برای هر مفسد، جانی و چپاولگر مصونیت فراهم بوده و مورد حمایت زعامت قرار داشته و مصلحت گرایی های ضد قانون و منافع ملی.

ناکامی سیاسی و نظامی حکومت در مبارزه علیه دهشت افگنی افزونی ساحات متصرفه مخالفین مسلح گسترش قتل و قتال و ویرانی و بلاخص ابتکار یک اجنبی در تحمیل «حکومت وحدت ملی» و سلب حق مشروع ملیون ها رأی دهنده، موجودیت مفسدین، قاچاق بران و یا مزدوران بیگانگان در زیر سقفی به نام خانه ملت همه و همه اعتبار و اعتماد مردم را به دولت داری و زعامت به یغما برده و نقش اراده و حاکمیت ملی کم رنگ نی بلکه محوه شده، لذا در این شرائط مردم سخت مأیوس، دل سرد، بی اعتناء شده فکر میکنند هر که را که مولا برگزیند زعیم خواهد بود.

خلاصه کلام شرح حال و احوال راوی آن است که دائره شیطانی مستولی بر جامعه به صورت متداوم در چرخش بوده این وطن در انحصار مطلق یک گروه معلوم الحال است که عوامل اقتدار سیاسی و ثروتمند شدن شان مبرهن بوده ضرورت به تکرار ندارد که خود عامل تعیین کننده سرنوشت افغانستان است.

از هر منبع می شنویم که فلان کس (که همه خوب می شناسیم) قبل از اتخاذ تصمیم در مورد نامزدی اش مصروف مشوره با حلقات سیاسی است، حلقات سیاسی که همه می شناسیم که چگونه پنجه های خون آلود شان گلوی ملت را فشرده و صدای شان را خاموش ساخته و از ناداری مطلق ثروت های گزاف نا مشروع اندوخته اند و میلیارد شده اند. توسط تفنگداران و سفره های گسترده و تطمیع مادی و منصب بخشیدن خود را رهبر قوم ساخته و حالا در نادانی کامل علم سیاست رهبران سیاسی اند.

بیش از ۹۰ فیصد این نامزدان کسانی خواهند بود که من و تو خوب می شناسیم و معاونین شان هم منسوب یکی از این حلقات سیاسی خواهد بود.

من از کسی نه شنیدم که گفته باشد قبل از نامزدی ام میان مردم رفته در پوهنتونی، مکتبی و یا مسجدی با اقوام مشوره می کنم به خواسته ها و نیازمندی های شان و پیشنهادات شان گوش می دهم و از ایشان نظر می خواهم. ولی متأسفانه در کل گلوی این ملت بی نوا خواهد بود و دستان پر قوت این قماش.

اگر احياناً مرد و یا زنی با نهایت فهم و دانش و سابقه نیک با اراده و نیت پاک خدمت به وطن و ایجاد تغییر و تحول و بهبود حال جرأت شمول در این مصاف را بنماید و قرآن به دست و عالی ترین تعهدات را به ملت پیشکش نماید با جیب خالی و عدم کسب حمایت مردم علمیت، شخصیت و وعده هایش توسط نفوذ این زورمندان ملیشه والا و ثروتمند تحت شعاع قرار می گیرد و این قماش تبارز چنین شخصیت های ملی را نا ممکن می گردانند .

موضوع مهمتر از همه نقش امریکا در تعیین زمام دار آینده افغانستان است، گرچه امید ضعیفی به استناد بیانیه رئیس جمهور امریکا در مجمع عمومی سالانه ملل متحد است که گفت دیگر امریکا در تشکل یک نظام در کشوری مداخله نمی کند، اگر قابل اعتماد و باور کردنی باشد تشویش از این ناحیه مرفوع بوده ولی ساخت و بافت اجتماعی و حاکمیت مافیای سیاسی و اقتصادی در تعیین سرنوشت مملکت اجتناب پذیر نیست و بر مبنای واقعیت های عینی جامعه در تداوم است.

عامل سهم گیری مردم در انتخابات به احتمال قوی انگیزه رقابت های قومی خواهد داشت و نه قضاوت سالم و اندیشمندانه بر درک و احساس منافع ملی و داشتن اوصاف و خصائل زعامت یک نامزد.

در تحت چنین احوالی من دلیلی نیافتم که مرا به پیامد های حاوی تحقق آرمان حاکمیت ملی، و روی کار آمدن یک زعامت واقعی خدمتگار مملکت با فراهم آوری تسهیلات و امکانات ارتقاء سطح زندگی مردم آسایش، رفاه و امنیت سرتاسری حاکمیت و تطبیق قانون و تأمین عدالت و رهایی شان از مصائب کنونی و اسارت این حلقات مافیایی در انتخابات آینده امید وار سازد.

نظریات و برداشت های شما هم وطنان برایم قابل احترام است.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند! همچنین اگر نظری در باره این مطلب داشته باشند می توانند در ستون نظرات بنگارند.